

# ایران: رایشستان چهارم

ویرایش 2.2

**محور شورش حماس - حزب الله - سوریه - ایران - عراق: تغییر عمده "بی قاعده" یا یک "رایشستان چهارم"**

نوشته Mark Langfan

بنابر این، تنها پرسش آن است که آیا رایشستان چهارم ایران وجود دارد یا خیر؟ در حال حاضر همه "کارشناسان" از هر رده که باشند می گویند: "این مزخرفات را رها کنید!" آنها با ظاهری صادقانه این شایعه را تکرار می کنند که "سوریه علوی است و ایران شیعه" و بنابر این، احتمال وجود یک "محور" عملی وجود ندارد. آنچه باید در نظر گرفت این است که اولاً جنبش علوی یک فرقه مخفی شیعه است که ریشه آن به حسن عسکری امام شیعیان در قرن نهم میلادی برمی گردد. این فرقه شیعه علوی سوری که در اقلیت قرار دارد عملاً اکثریت عظیم سنی ها در سوریه را تحت انقیاد خود قرار داده است و به آن ظلم می کند. بنابر این، محور رایشستان چهارم یک محور شیعه خالص دوازده امامی است. از آن گذشته، از لحاظ تاریخی قبل از آنکه امواج جنگ دوم جهانی دنیا را فرا گیرد آیا آلمان و ایتالیا مجبور بودند منافع خود را دقیقاً هماهنگ سازند تا عملاً یک "محور" نظامی بوجود آورند؟ خیر. در حقیقت در وضعیت فعلی سوریه عنصر

بررسی اجمالی محور شورش حماس - حزب الله - سوریه - ایران - عراق به عنوان یک گروه ناهمگون و از هم گسسته جنبش های سیاسی / تروریستی یک کار راحت و بی درد سر است. چرا که بررسی این ملقمه سرشار از توطئه و خائنانه از دیدگاهی دیگر و تلقی آن به عنوان یک ماشین منسجم نظامی و سیاسی اقرار به یک واقعیت غیرقابل تصور و تیره و تار است: اینکه در حال حاضر یک رایشستان چهارم دارای توانایی های هسته ای در حال رشد وجود دارد که در شرف انهدام و ویرانی دنیای یهودی - سنی - مسیحی - بودایی - هندو است. نتیجه گیری فوق، این مرز دروغین را که هم اکنون وجود دارد و شورش های عراق، حماس، و حزب الله را از هم و نیز حمایت حیاتی نظامی سوریه و ایران از هر دو را از هم جدا می کند نابود می سازد. واقعیت تلخ آن است که جنگ اسرائیل با حماس / حزب الله و بخش برخوردار از حمایت ایران شورش عراق دو طرف یک سکه است که سرچشمه آن محور رایشستان چهارم در حال رشد ایران علیه آمریکا و جهان است.

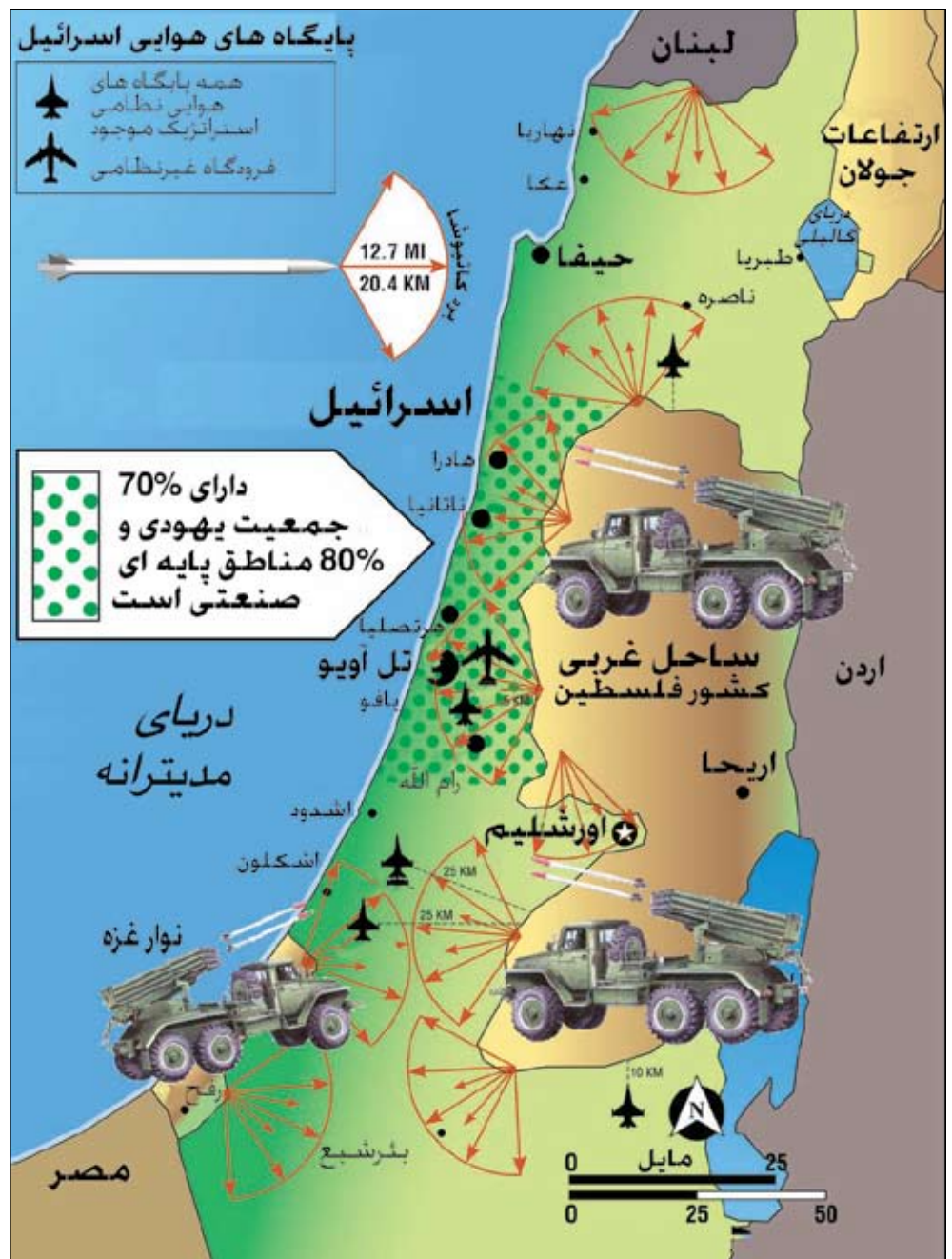
"ایتالیایی" یا ضعیف تر و ایران عنصر "آلمانی" یا قوی تر محور رایشستان چهارم است. در یک تشابه ترسناک که از ذهن انسان بیرون نمی رود، در سالهای دهه سوم قرن بیستم در رابطه با محور، موسولینی تقریباً به عنوان شریک همپایه هیتلر به نظر می رسید همانطور که اکنون اسد شبیه یک شریک همپایه ایران است. واقعیت در آن زمان همان بود که اکنون است: در آن موقع فقط یک پیشوا وجود داشت و اکنون این "پیشوا" احمدی نژاد رییس جمهور ایران و دارو دسته امام زمانی اوست. ایران در حقیقت از سوریه به عنوان آلت دست خود استفاده می کند: همانطور که ایتالیا در جهت تسهیل حرکت های استراتژیک اولیه آلمان در سالهای "دهه سوم" آلت دست آن کشور بود. بدین طریق، ایران در سالهای "دهه چهارم" خود چنین می کند تا به قدرت و حاکمیت برسد. برافروختن آتش جنگ غیرمنطقی و غیرلازم حزب الله علیه اسرائیل توسط ایران ممکن است از لحاظ تاکتیکی جهت پوشاندن موضوع هسته ای ایران نباشد اما

از نگاه استراتژیکی جلو راندن غیرقابل برگشت سوریه و انداختن آن در آغوش نفرت انگیز ایران است. همانطور که آلمان در جریان جنگهای داخلی اسپانیا ایتالیا را متحد خود ساخت و به کشورهای محور ملحق کرد. علاوه بر این، تصاحب آتی لبنان توسط ایران بدست واحدهای اس اس وافن آن (که اینجا حزب الله است) از ضمیمه ساختن اتریش به دست نازی ها هیچ چیز کسر ندارد: حکومت نازی فعلی همان ایران شیعی است که بر لبنان چنگ انداخته است.

بطور خلاصه، عناصر ظاهراً ناهمگون رایشستان چهارم در حال ظهور نیازهای همدیگر را همانند یک محور تامین می نمایند. از یکدیگر مانند یک محور دفاع می کنند. و بخاطر دیگری مانند یک محور منسجم و یکپارچه می جنگند: بنابر این آنها یک محور هستند. فقط بدان دلیل که ایران علناً از خاک خود موشکی را به سوی اسرائیل شلیک نکرده است این بدان معنا نیست که تامین مواد و نیروی انسانی و "مشاوران" تکنیکی و "جواز" روحانی این کشور زیربنای اصلی و

اساسی جنگ علنی و مستقل حزب الله با اسرائیل نیست. به همین ترتیب، فقط بدان دلیل که ایران عملاً سربازان ایرانی با یونیفرم های ایرانی را به عراق نفرستاده تا علناً سربازان آمریکایی را بکشند بدان معنی نیست که تامین لجستیکی تله های انفجاری و تامین مالی و انسانی شورش عراق به عنوان یک قدرت مستقل توسط ایران. صدها سرباز آمریکایی را به کشتن نداده و معلول نکرده و به عنوان یک عامل اساسی در بی ثبات ساختن اوضاع عراق تأثیری نداشته است. هدف روشن این جنگ بی سر صدا اما بینهایت خونبار ایران علیه آمریکا در عراق شکست نظامی فاجعه آمیز ایالات متحده در عراق است. واضح است که اقدامات بدخواهانه دست نشاندهگان ایران در صحنه های غزه، لبنان و عراق فقط دخالت های پراکنده و جدا از هم نیست بلکه یک جنگ عمدی، یکپارچه، و متمرکز با هدف مشخص نابود ساختن منافع حیاتی نظامی و استراتژیک آمریکا در خلیج فارس و جهان است.

به عنوان یک موضوع مهم کوتاه مدت، تهدیدات جنگی صدام فقط بعنوان پوششی جهت پنهان ساختن خطر موازی، حقیقی تر و به مراتب بزرگتر ایران اسلامی - نازی بدخواه و کینه توز عمل کرد که بدون سر و صدا در حال ظهور بود که توسط تکنولوژی هسته ای روسیه و بخاطر پول نقد تغذیه می شد. روسیه به همین ترتیب در سال 1940 نفت حیاتی اولیه حمله برق آسای ماشین جنگی هیتلر علیه فرانسه و انگلستان را تامین کرد. تصادفاً انهدام صدام که دیگران آنهمه



از او هراس داشتند فقط ایران عاری از پول نقد و قابل مهار را به طمع انداخت تا سرکریه خود را بلند کند و قبل از آنکه یک ایران اتمی اولیه عملاً به صورت یک ایران مسلح به سلاح اتمی غیرقابل مهار و یک رایشستان چهارم ایران درآید دنیا آن را ببیند و شر قابل لمس آن را تشخیص دهد. علاوه بر این، از بین بردن صدام عملاً کوچکترین تغییری در جهت گیری چندین ده ساله ایران به سوی تصاحب سلاح های هسته ای نیاورده است. برای مثال، قرارداد تکمیل نیروگاه هسته ای بوشهر در سال 1995 با روسها منعقد گردید. در حقیقت، ایران بدون آن که ترس صدام در میان باشد علناً و به کرات اعلام داشته اگر "تهدید شود" به فکر تهیه زرادخانه سلاح های اتمی خواهد افتاد.

مع الوصف، اگر در حقیقت یک رایشستان چهارم شیعه وجود داشته باشد، عواقب فوری آن وخیم، غیرقابل چشم پوشی و شوم است. از همه مهمتر، سوریه که یک تناسخ مدرن ایتالیای فاشیست مدرن است بلافاصله به صورت دشمن قانونی آمریکا در می آید. سوریه تامین کننده اساسی نیازهای شورشیان عراق و شورشیان حزب الله است که دیگر یک راز کوچک زشت نیست که آمریکا بتواند از آن غافل باشد. سوریه در حقیقت تامین کننده اساسی و پناهگاه امنی است که از جنگهای شورشی حماس، حزب الله و عراق حمایت می کند. بدین ترتیب سوریه یک خصم فعال و عمدی علیه آمریکا و اسرائیل است و نه فقط یک "تماشاگر بیگانه" انفعالی. در حقیقت، برخورد جداگانه و بدون ارتباط آمریکا و اسرائیل با سوریه به عنوان یک "تماشاگر بیگانه" جنگهای شورشی حماس، حزب الله یا عراق شکست دوگانه اسرائیل در جنگ

فرسایشی خود با حماس / حزب الله و آمریکا در جنگ خود با شورش عراق را تضمین خواهد کرد. بشمار اسد حمایت علنی خود از هر دو جبهه را نه تنها برای رژیمش "بدون هزینه" تلقی خواهد کرد بلکه آنرا به عنوان ابزار بسیار قدرتمندی می یابد که به رژیم او مشروعیت هر چه بیشتر می بخشد. بنابر این اسد اشتباها جسور شده، همان گونه که موسولینی چنین شد و اقدامات و حمایت های خود را بیش از پیش توسعه داده و آتش جنگ را در هر دو درگیری بیش از پیش افروخته نگاه خواهد داشت. در عالم واقع، آمریکا بدان نیاز دارد که با اسد همان سناریوی "عملیات دره الدورادو" (حملات هوایی آمریکا به لیبی به تلافی بمب گذاری مقرر نظامیان آمریکا در برلین) را با اسد به اجرا درآورد؛ اقداماتی که در دوره ریگان و بوش انجام شد و هدف آن بود که دستی به سر و روی قذافی کشیده شود. این احتمالاً تنها چیزی است که برای جمع کردن بساط شریک جرم جوان ایران با آن صورت معصومانه اش مورد نیاز است تا خطوط اصلی تامین شورشیان از سوریه قطع شود. در غیر این صورت سستی فاجعه بار آمریکا و اسرائیل در رابطه با سوریه به بشمار اسد اجازه خواهد داد مانند حافظ اسد خود را یک سلطان ساز به تصور درآورد و نه آنچه که واقعاً هست، یعنی یک مهره ایران. علاوه بر این، جمعیت سنی عراق در نابودی عناصر شورش القاعده وارده از سوریه و در حقیقت حفاظت از سربازان آمریکایی دارای منافع بسیار مهمی است که به بقای آن مربوط می شود. چرا که اگر آمریکا از عراق عقب نشینی کند، سنی های عراق هم توسط سوریه و هم از طرف ایران نابود خواهند شد.

## تله های انفجاری ایران: IED ها



### تله انفجاری

منبع: ساندی تلگراف، نوشته Toby Harden، مورخ 20/08/2006

### صحنه

منبع: ساندی تلگراف، نوشته Toby Harden، مورخ 30/04/2006

قصور ایالت متحده در تائیرگذاری فوری یک پاسخ نظامی و سیاسی نسبت به واقعیت رایشتستان چهارم. در رابطه با صلح و امنیت جهان حتی ویرانگرتر از نادیده گرفتن محور مشخصا در حال تقویت رایش سوم از طرف آمریکا در سالهای دهه سوم قرن بیستم است. در آن دهه، اقیانوس های وسیع موجود در دو سوی آمریکا نقش دفاعی بسیار مهمی داشتند و آلمان نه صاحب یک قدرت بالقوه هسته ای بود و نه دسترسی و کنترل وسیعی نسبت به نفت داشت. امروزه درست برعکس این موضوع صادق است: پتانسیل هسته ای ایران در حال شکوفایی است و رایشتستان چهارم ایران روی ذخایر عظیم نفت قرار دارد. علاوه بر این، ایران مانند شخص قوی هیکلی است که بر فراز شاه نشین های کاغذی سنی بسیار ریزاندامی در حال تلوتلو خوردن است که منابع طبیعی عظیم و استراتژیک آنها برای اقتصاد جهانی امروز اهمیت فراوانی دارد. این منطقه محاصره شده در اطراف خلیج فارس دارای دو سوم ذخایر شناخته شده نفت دنیاست و بنابر این "ویتنام" نیست. بدین ترتیب، ایران دارای یک اهرم قدرت غیرقابل محاسبه اقتصادی در رابطه با ابرقدرت های چین و روسیه است و آن را اعمال می کند. سرانجام آنکه در این وضعیت بشدت ناپایدار این حقیقت تاسف انگیز نیز وجود دارد که "نابودی دوجانبه" در رابطه با ایران نه به عنوان یک بازدارنده بلکه به عنوان یک انگیزه عمل می کند. خلاصه کلام آنکه این یک تصویر زیبا نیست. امروزه ایران به درستی موجودیت اسرائیل را به عنوان انعکاس دو فاکتوی قدرت نظامی آمریکا و بعنوان تنها مانع باقی مانده در هژمونی آینده آن در خاورمیانه و جهان تلقی می کند همانطور که هیتلر بریتانیای کبیر را به عنوان تنها مانع هژمونی خود در اروپا میدید. ایران از اشتباهات آلمان در جنگ دوم جهانی و اشتباهات صدام در دهه نهم قرن بیستم درس گرفته و هرگز قبل از آنکه به نابودی معادل پایگاه

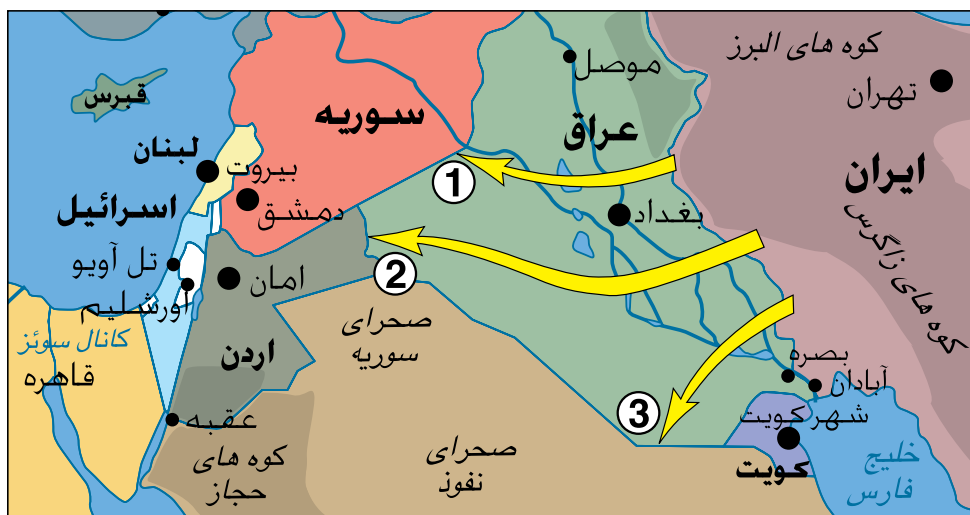
پیشاهنگ آمریکا در جنگ جهانی دوم، بریتانیای کبیر، یعنی اسرائیل اقدام نکند زمان یا انرژی خود را برای اشغال یک فرانسه شکست خورده یا یکپارچه ساختن یک خاورمیانه پراکنده و تکه تکه تلف نمی کند. در حقیقت، بالکانیزه کردن صوری سلطان نشین های سنی غنی از نفت یک ظاهر دروغین جدایی های استراتژیک را به نمایش می گذارد که تجمع واقعی قدرت ایران را می پوشاند. نابودی نهایی اسرائیل توسط ایران توانایی آمریکا در آغاز یک جنگ جهانی توام با پیروزی علیه ایران را قبل از آنکه چنین جنگی حتی آغاز شود فلج می سازد. در نتیجه آمریکا می تواند انتظار داشته باشد جنگهای فرسایشی گرم و سردی توسط دست نشانندگان مسلح ایران علیه اسرائیل و قوای ایالات متحده صورت گیرد تا ایران بتواند خود را از این تنها مانع باقی مانده بر سر راه هژمونی کامل خود آن در خاورمیانه خلاص کند. یا آنکه پس از شکست / عقب نشینی فاجعه آمیز ایالات متحده از عراق، ایران بدون شک جنوب عراق تا اردن را به اشغال نظامی خود در خواهد آورد. در آن هنگام است که ایران شمشیر داموکلس خود را بر فراز سر عربستان سعودی، مرکز فرماندهی نظامی ایالات متحده در قطر، و تمامی ناوگان پنجم آمریکا در بحرین نگاه خواهد داشت.

اگر آمریکا هم اکنون این بازی را متوقف نسازد، دست به اقدام نزنند و از خود و متحدانش در برابر احتمال یک رایشتستان چهارم حفاظت نکند، "سالهای دهه سوم" ممکن است بسرعت به "سالهای دهه چهارم" یا حتی "سالهای دهه پنجم" تبدیل شود که در آن ایران برنده بازی خواهد بود.

Mark Langfan مقالات متعددی را در رابطه با امور نظامی اسرائیل منتشر کرده است. این مقاله (ویرایش 1.0) در نشریه "صدا و عقیده یهودی" (Jewish Voice and Opinion) در ژانویه 2007 منتشر شده است.

## سناریوی کابوس شکست در عراق / عقب نشینی از آن کشور و توسعه نفوذ ایران

### مرحله اول: عملیات هلال داموکلس



در آستانه شکست فاجعه آمیز قوای ایالات متحده در عراق که باعث عقب نشینی کامل از این کشور می گردد، ایران بصورتی بسیار وسیع نیروی قدس سپاه پاسداران را که به شدت مسلح هستند بصورت "نرم" در طول جنوب عراق تا (1 مرز سوریه، 2 مرز اردن و 3) مرز عربستان سعودی مستقر خواهد کرد. هنگامی که قوای ایران یکپارچه شدند، یک استقرار "سخت" از قوای موتوریزه سبک بشدت زرهی را دنبال خواهند کرد تا هر گونه حضور سنی باقی مانده در منطقه را ریشه کن ساخته و پاکسازی نمایند.

## مرحله دوم: شمشیر مهدی

عمان اثرگذاری کرده و نیمه دوم تنگه هرمز که نقطه خفه کردن دشمن محسوب می شود را تحت کنترل خود درآورده و بدینوسیله خلیج فارس را مسدود ساخته و همه کشتی های جنگی باقی مانده ایالات متحده را به دام اندازد.

6) اگر ایران در یک محور جنوب غربی از عراق و از طریق صحرای سوریه به تبوک حمله کند (6الف) یا بطرف غرب تغییر جهت داده از دهران تا ریاض را تصرف کند (6ب) هدف ایران تسخیر اماکن مقدسه مدینه و مکه است. در آن صورت نیروی هوایی اسرائیل باید حمله عظیمی را بر ضد این نیروها انجام داده تا به قوای ایالات متحده زمان و مکان تاکتیکی بدهد تا ستاد فرماندهی B ایالات متحده / ناتو ضد حمله خود را سازماندهی کند.

7) نیروی هوایی عربستان سعودی باید بر عقب نشینی به ستاد فرماندهی B ایالات متحده / ناتو یک اثر فوری بگذارد تا این امکانات با ارزش نظامی را قادر سازد بصورت موثری مورد استفاده قرار گرفته و در فرماندهی و کنترل ایالات متحده در جهت یک ضدحمله ادغام شوند. 8) در آن صورت هر گونه حرکت دیگر ایران در صحرای سوریه یا تغییر جهت آن به غرب یا از ریاض می تواند از سوی ستاد فرماندهی B ایالات متحده / ناتو که اکنون کاملاً فعال شده خنثی گردد و همه نیروهای هوایی منطقه از جمله نیروی هوایی اسرائیل در داخل یک فرماندهی متحد ادغام شده و به صحنه آورده شوند.

9) در آن صورت فقط تحت کنترل و سیادت کامل نیروی هوایی ایالات متحده در جهت جنوب غرب و بر چهار طرف شبه جزیره عربستان است که قوای زمینی می توانند در جده مجدداً مستقر شده و عربستان سعودی را باثبات سازند.

به عنوان یک تذکر نهایی باید گفت که هلال کوهستانی ایران به این کشور یک دفاع هوایی توپوگرافیک می بخشد که قسمت های مرکزی داخل ایران را در برابر هر گونه حمله هوایی نسبتاً غیرقابل نفوذ می سازد. هر گونه نقشه حمله علیه ایران باید در برگزیده یک سناریوی مهیب جنگ داخلی و برنامه دراز مدت مهار آن باشد.

1) قوای موتوریزه سبک / چترپازان ایران با حمله ای برق آسا یک منطقه هلالی شکل از عراق تا دهران را به تصرف در می آورند تا راه هر گونه ضدحمله زمینی قوای ایالات متحده از دهران را مسدود کرده و ستاد فرماندهی ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین را تهدید به اشغال نمایند.

2) ستاد فرماندهی A ایالات متحده (USHQ A) در قطر دو رشته از اقدامات را انجام می دهد (2الف) عملاً همه منابع هوایی را در جهت حفاظت از مرکز فرماندهی ناوگان پنجم ایالات متحده. خود ستاد فرماندهی A ایالات متحده و تاثیرگذاری بر یک جنگ اضطراری خروجی ناوگان پنجم آمریکا و گروه جنگی باقی مانده ناو هواپیمابر از خلیج فارس را منحرف می سازد و نیروی هوایی اسرائیل را ملزم می سازد قوای ایران را زیر آتش پرحجمی قرار دهد (2ب) پیشروی قوای ایران را کند سازد.

3) ایران حمله خود را یکپارچه ساخته و مسیر شرق - غرب را تا ساحل خلیج فارس ادامه می دهد و ستاد فرماندهی A ایالات متحده را مورد تهدید قرار می دهد.

4) زیر پوشش کنترل هوایی اسرائیل. ستاد فرماندهی A ایالات متحده تخلیه می شود (4الف) تا حملات ایران بر ستاد فرماندهی B ایالات متحده / ناتو (4ب) در پایگاه های هوایی قدیمی تخلیه شده اسرائیل در صحرای سینا را قطع کند؛ اماکنی که نیاز به بازسازی و تعمیر فوری دارند و هزینه چشمگیر آن را عربستان سعودی و تحت کنترل انحصاری ایالات متحده / ناتو می پردازد تا یک نقطه عقب نشینی و ضدحمله موثر را در صورت حمله ایران فراهم سازد. همچنین. ناتو باید موافقت نماید که در صورت "فعال شدن" ستاد فرماندهی B ایالات متحده / ناتو در برابر حمله ایران به شبه جزیره عربستان. تعهدات دفاعی دو جانبه و کامل ناتو از جمله آنهایی که بر عهده ترکیه است صورت عمل به خود گیرد.

5) ایران به طرف ریاض (5الف) و / یا به سوی ساحل. از طریق ایالات متحده عربی (5ب) تغییر جهت می دهد تا بر هدف استراتژیک



# ارزش استراتژیک اسرائیل

## سناریوی جنگ باترور پس از حملات یازدهم سپتامبر



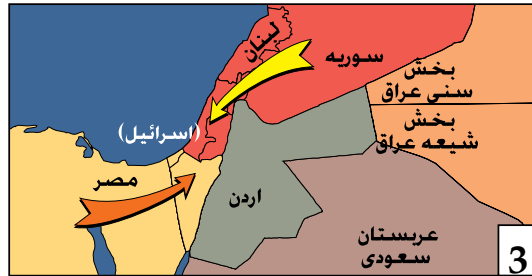
یک کشور فلسطینی بی طرف تشکیل شده در ساحل غربی رود اردن / غزه اسرائیل را از یک دارایی استراتژیک و سنگر ایالات متحده در برابر ترور خاورمیانه ای که قادر است از خود دفاع نماید به یک بار بی دفاع بر دوش ایالات متحده تبدیل می سازد که دعوت کننده حمله است و حتی قادر به دفاع از خود نیست چه برسد به آنکه منعکس کننده قدرت نظامی آمریکا باشد.



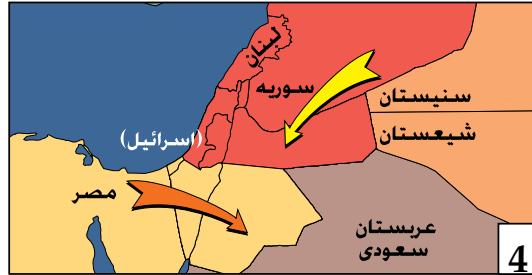
**2. اسرائیل به عنوان یک مسئولیت استراتژیک ایالات متحده که قادر به دفاع از خود نباشد دعوت کننده حمله است:** در صورتی که ارتفاعات جولان، رشته کوه ساحل غربی رود اردن و نوار غزه تحت کنترل اسرائیل نبوده و بجای آن تحت کنترل اعراب متخاصم باشد، اسرائیل از لحاظ استراتژیکی آسیب پذیر بوده و در برابر یک تهدید کوتاه مدت نسبت به موجودیت خود قرار دارد. تروریسم ادامه دار عربی علیه اسرائیل آتش چنین درگیری را برافروخته تر خواهد ساخت.

**1. اسرائیل به عنوان یک دارایی استراتژیک ایالات متحده که قادر به دفاع از خود است:** زمانی که ارتفاعات جولان (الف)، رشته کوه ساحل غربی رود اردن (ب) و نوار غزه (ج) تحت کنترل نظامی اسرائیل باشد، این کشور در برابر یک تهدید کوتاه مدت تا میان مدت نسبت به موجودیت آن ایمن است.

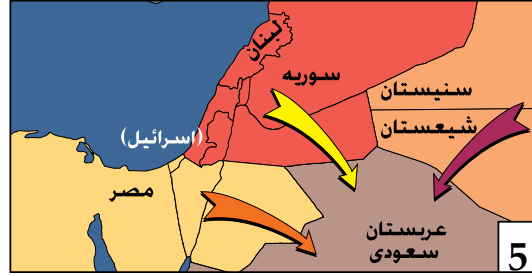
**3. اسرائیل: اولین دومینو**  
بدون دفاع های طبیعی رشته کوه های جولان و ساحل غربی، و با کاهش توانایی اسرائیل در بسیج نیروهای خود، این کشور به آسانی توسط سوریه و مصر اشغال و منهدم می گردد. حتی یک کشور فلسطینی بشدت میلیتاریزه شده قادر نخواهد بود از لحاظ نظامی سوریه ها و یا مصری ها را مهار سازد. حزب الله، سوریه ها و مصری ها همگی بر سر تصاحب اورشلیم که بدان حد کمال مطلوب است به رقابت خواهند پرداخت.



**4. اردن: دومین دومینو**  
بدون وجود اسرائیل به عنوان یک محافظ استراتژیک، اردن به آسانی توسط حزب الله از لحاظ نظامی قدرتمند، سوریه ها و شیعیان / ایران مورد تاخت و تاز قرار خواهد گرفت. در حال حاضر سوریه به اردن به عنوان سوریه جنوبی می نگرد و رویای خود از "مانیفست سرنوشت" را تحقق خواهد بخشید.



**5. عربستان سعودی: سومین دومینو**  
با حضور مصری ها و سوریه های از لحاظ نظامی قدرتمند و از حیث منابع نفتی فقیر و شیعیان / ایران در مرز شمالی عربستان سعودی، این کشور نابود خواهد شد. چنانچه کانال سوئز تحت کنترل یک قدرت خودی نباشد، قدرت های غربی قادر نخواهند بود نیازهای نظامی عربستان سعودی را تامین کنند یا از آن دفاع کنند.



## خامنه ای: اسرائیل عامل تفرقه در جهان اسلام است

رئیس‌جمهوری اسلامی به پرویز مشرف رییس جمهور پاکستان اظهار داشت: "رژیم صهیونیستی توسط غرب و به منظور ایجاد تفرقه در جهان اسلام بوجود آمده است." او اعلام کرد زمانی که "دوره تجاوز آمریکا و جنایات صهیونیستی بگذرد" مشکلات منطقه رفع خواهد شد.  
"نوشته: Dudi Cohen"

رئیس‌روحانی ایران آیت الله سید علی خامنه ای روز دوشنبه طی ملاقاتی با پرزیدنت ژنرال پرویز مشرف که از ایران دیدن می کرد به او گفت: "تاسیس رژیم صهیونیستی عملی بود که توسط غرب و به منظور ایجاد درگیری مداوم در دنیای اسلام انجام شد."

مشرف که اخیراً وارد تهران شده شنید که خامنه ای حمایت آمریکا و انگلستان از اسرائیل را به عنوان تشویقی در جهت ادامه ارتکاب جنایات علیه فلسطینی ها وصف می کند.

خامنه ای گفت: "هر گونه برنامه ای که برای خاورمیانه در نظر گرفته شود موفقیت آمیز نخواهد بود مگر آنکه دوره تجاوز آمریکا به پایان برسد و جنایات صهیونیستها متوقف گردد."



احمدی نژاد (چپ)، مشرف و خامنه ای در تهران در روز دوشنبه (عکس از خبرگزاری فرانسه)  
خامنه ای همچنین بر موضوع فلسطین تمرکز نمود و اظهار داشت که ضعف های اسرائیل در طی جنگ لبنان ظاهر شد در حالی که "مقاومت دولت حماس در برابر صهیونیستها راه حل مساله را به فلسطینیان نشان می دهد."

## 328 سانتریفیوژ در نیروگاه هسته ای نطنز

در همین احوال، دیپلمات های اروپایی روز دوشنبه گزارش دادند که ایران دو کاسکید که هر کدام حاوی 164 سانتریفیوژ است را در نیروگاه هسته ای زیرزمینی خود نصب کرده و بدین طریق پایه ای برای غنی سازی کامل اورانیوم و احتمال رویارویی با غرب بوجود آورده است.

آنها گفتند این کاسکیدها قرار بود به مدت کوتاهی از لحاظ کارکردن تست شوند بدون آنکه اورانیوم داخل آنها باشد و اگر تستها موفقیت آمیز بود در آن صورت ماده سوخت به آنها افزوده شود. این 328 سانتریفیوژ یک پیش درآمد برای 3000 سانتریفیوژی است که قرار است در ماههای آینده آنجا نصب شوند.

ایران اخیراً نصب لوله کشی، کابل های الکتریکی و سایر تجهیزات مورد نیاز جهت غنی سازی به اصطلاح "در حد صنعتی" را در مجتمع عظیم زیرزمینی خود در صحرای مرکزی ایران که در پناه استحکامات قرار گرفته و گرداگرد آن را مسلسل های ضد هوایی گرفته اند به اتمام رسانده است.

Print

Islamic  
RepublicIranian Supreme  
Leader Khamenei  
Photo: Reuters click here to  
enlarge text click here to  
reduce text

"استاد، چه کسی  
"میانه رو" و چه کسی  
"افراطی" است؟"  
"ای ملخ، با "میانه رو"  
هایی مانند آنچه که  
میبینی چه کسی به  
"افراطی ها" نیاز  
دارد؟"

"خوب توجه کن"  
نوشته ML

## ایران: اسرائیل و ایالات متحده بزودی از بین می روند

**احمدی نژاد: مطمئن باشید که حیات ایالات متحده و اسرائیل بزودی پایان می رسد**  
 نوشته : Yaakov Lappin

تارنمای صدا و سیما جمهوری اسلامی (IRIB) در گزارشی اعلام کرد که روز سه شنبه محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران طی ملاقاتی با وزیر خارجه سوریه اظهار داشت: " اسرائیل و ایالات متحده بزودی نابود می شوند". خبرگزاری رسمی فارس نیز این اظهارات را گزارش کرد.

از قول محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران نقل شد که: "بشما اطمینان می دهم ... که حیات ایالات متحده و رژیم صهیونیستی اسرائیل بزودی پایان می رسد"

بنابه این گزارش احمدی نژاد افزود: "ایجاد اختلاف بین مسلمانان، بخصوص بین شیعیان و سنی ها، توطنه ای است که توسط صهیونیستها و ایالات متحده و در جهت تسلط بر دولت های منطقه و غارت منابع آنها چیده شده است."

رئیس جمهور ایران همچنین مستقیماً وقایع لبنان را به یک نقشه وسیع تر ارتباط داد که هدف آن انهدام اسرائیل است. او از "کشورهای منطقه" خواست "از مقاومت اسلامی مردم لبنان پشتیبانی نموده و در جهت تقویت همبستگی و اتحاد بین گروه های مختلف فلسطینی به هدف هموار ساختن تضعیف رژیم صهیونیستی که اضمحلال آن البته حتمی است جد و جهد نمایند."

احمدی نژاد در ماههای اخیر چندین بار کشور اسرائیل را به نابودی تهدید کرده و اخیراً ایالات متحده و بریتانیا را به لیست کشورهای می گوید نابود خواهند شد افزوده است.


ولید معلم وزیر خارجه سوریه ایالات متحده را متهم کرد که قصد دارد "قتل عامی از مسلمانان" را به راه اندازد و "تخم نفاق را بین فرق اسلامی در منطقه بیافشاند."


تارنمای صدای و سیما جمهوری اسلامی گزارش داد معلم از کشورهای منطقه خواست "راه را برای ایجاد صلح و آرامش هموار ساخته ... و در عین حال از قتل عام بیشتر مسلمانان جلوگیری نمایند."

### Strategic Threat



President Ahmadinejad Photo: AP

 [click here to enlarge text](#)

 [click here to reduce text](#)

## دورنمای ثبات عراق: راه پر پیچ و خمی که باید پیمود

همسایگان عراق بر وقایع داخل عراق تاثیر می گذارند و از آن تاثیر می پذیرند، اما دلیل خصوصیت خودکفای دینامیک های فرقه ای داخل عراق احتمال ندارد که دخالت این عوامل خارجی عامل اصلی ایجاد خشونت یا دورنمای ثبات باشد. مع الوصف حمایت مرگبار ایران از گروه های منتخبی از شبه نظامیان شیعه عراقی به روشنی درگیری در عراق را شدت می بخشد. سوریه به عرضه پناهگاه به تبعیدی های بعثی عراق ادامه می دهد و در جهت متوقف ساختن سیل جهادی های خارجی بدخل عراق اقدامات کافی به عمل نمی آورد.

اگر قرار بود چنین عقب نشینی سریعی صورت گیرد، قضاوت ما این است که احتمال ندارد دستگاه امنیتی عراق بعنوان یک موسسه ملی غیرفرقه ای جان به در برد؛ کشورهای همسایه - که توسط جناح های داخلی عراق یا به صورت یکجانبه دعوت شده اند - ممکن است علناً در درگیری ها دخالت نمایند.

